

# نتایج نهایی انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰

آمار نهایی شمارش آرای سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، اعلام شد و بر این اساس سید ابراهیم رئیسی بیشترین رأی را به خود اختصاص داده است و به عنوان سیزدهمین رئیس جمهور ایران معرفی شد. میزان مشارکت در این انتخابات ۴۸/۸ درصد اعلام شده است. از میان ۵۹ میلیون ۳۱۰ هزار و ۳۰۷ نفر واجد شرایط حضور در انتخابات ۲۸،۱۴۰۰ میلیون و ۹۳۳ هزار و ۴ نفر آرا خود را به صندوق‌ها ریختند.



حجت الاسلام ابراهیم رئیسی

محسن رضایی

عبدالناصر همتی

سید امیر حسین قاضی زاده هاشمی

تعداد آرا

۱۷/۹۲۶/۳۴۵

تعداد آرا

۳/۴۱۲/۷۱۲

تعداد آرا

۲/۴۲۷/۲۰۱

تعداد آرا

۹۹۹/۷۱۸



میزان مشارکت

۲۸/۹۳۳/۰۰۴

تعداد آراء اخذ شده



۳/۷۲۶/۸۷۰

آراء باطله



منبع: ایتمنا

## گزارش

### ۴۸ درصد مشارکت با آرای باطله بالا

## اصلاح طلبان درس بگیرند؛ اصولگرایان واقعیت را ببینند

۴۱ تا ۴۲ میلیون نفر از دیگر واجدین شرایط رای را جدا از طرفداران خود در نظر بگیرد که ایده‌ها و نگاه‌هایی متفاوت و مخالف با او و همفکران وی دارند. این موضوع، مسئولیت رئیس جمهور منتخب را بیش از پیش می‌کند. با توجه به اینکه وی رئیس جمهور تمام ملت ایران است باید بیش از آنکه سیاست‌های خود را به‌ویژه در مقوله‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی صرفاً با نگاه‌های همفکران و طرفدارانش تطبیق دهد، به اکثریت مردم متمایل کرده و به گونه‌ای عمل کند که تمام مردم ایران از جمله همه ۶۰ میلیون واجد شرایط رای، آن سیاست‌ها را به طور نسبی هم که شده، پذیرا باشند تا با بی‌اورند. از سویی دیگر به این نکته نیز باید توجه داشت که اساساً عرصه اجرا، عرصه نقد شدن هم هست. مساله جاف‌فاده در باره روسای جمهور این بوده که بر خلاف برخی بخش‌ها، رئیس جمهور را می‌توان در رسانه‌ها نقد کرد یا در جریان رقابت‌های سیاسی به چالش کشید و مبارزات مدنی سازنده با او را پیش برد. امید که رئیس جمهور آینده ایران این فشارها را با تمام قدرت و جسارت بپذیرد تا صاحب‌تریون باشد. نکته قابل توجه دیگر اینکه امروز تمامی بدنه کشور، از هر کجا که بگیرد، در اختیار یک طرز فکر و جریان سیاسی است. این یعنی دیگر در امور مختلف از جمله امور اجرایی نمی‌توان کارشکنی‌های رقیب را از دلایل شکست در بهبود اقتصاد یا سیاست خارج و تعامل با دنیا معرفی کرد. این بدان معناست که همه منتظر بهبود در تمام امور از سوی رئیس جمهور آینده هستند چون تمام دستگاه‌ها در یک راستا و جهت قرار گرفته‌اند. رئیس جمهور آینده جدا از نگرش‌های شخصی و جناحی باید تمام هم و غمش این باشد تا شخصیت‌های فرهنگی پرامید بکوشند، هنر بجوشد، زنان در جامعه و در تمامی عرصه‌ها فعالانه بدرخشند و شادی از دست رفته مردم به جای رخوت و غم و بی‌تفاوتی و ناامیدی به آنها بازگردد.

مختلف به عنوان رقیب جریان اصولگرا، بخشی از معترضان را به سمت خود جلب می‌کند به پیروزی می‌رسد؛ معترضان که این بار در خانه نشسته‌اند و پشت اصلاح‌طلبان را خالی کرده‌اند. رای چهارم همتی بعد از آرای باطله و محسن رضایی نکته‌ای بود که با دعوت شاخص‌ترین چهره‌های اصلاح‌طلب در این انتخابات رقم خورده و این پایانی شد بر رویای زیر میز زدن، عدم مشارکت بیش از نیمی از واجدین شرایط - آن هم بنا به اعلام رسمی مقامات داخل کشور - در این انتخابات موضوعی بوده که اصلاح‌طلبان تصور می‌کردند می‌توانند از آن با پیام‌ها و دعوت‌ها جلوگیری کنند.

#### واقعیتی که اصولگرایان می‌دانند

در سویی دیگر اصولگرایان هستند؛ اصولگرایانی که کاندیدایشان پیروز بلانماز این انتخابات بوده است، ولی در این پیروزی نباید نکاتی را مغفول نگه داشت. نخستین موضوع میزان مشارکت ۴۸ درصدی طبق اعلام خود وزیر کشور است. این در حالی است که بخشی از آرای این ۴۸ درصد نیز آرای باطله بوده‌اند؛ چیزی حدود ۴ میلیون که می‌تواند ۷ درصد واجدین شرایط و البته ۱۳ تا ۱۴ درصدی دهندگان را تشکیل دهد. فراموش نکنیم که بخش عمده‌ای از آرای ریخته شده به سید همتی نیز رای اعتراضی بوده است. اگر واجدین شرایط را نزدیک به ۶۰ میلیون بدانیم و مجموع آرای کاندیدای اصولگرا را حدود ۱۸ میلیون، بدین معناست که رئیس جمهور آینده باید علاوه بر ۱۸ میلیون هواداراش،

با این کار کاندیدای اصولگرایان را بی‌اورد. گویی جریان چپ فکر می‌کرد هرقهت خاتمی اراده کند و به مردم پیام دهد، بخش قابل توجهی از تحریمی‌ها را می‌تواند پای صندوق رای کشاند، اما این یک اشتباه بود؛ اینکه تصور می‌شد کلام رئیس دولت اصلاحات همیشه نفوذ دارد. اشتباه دیگر اصلاح‌طلبان آن بوده است که معتقد به وجود پایگاه مستقلی برای خود بوده‌اند؛ آن هم پایگاهی که میلیون‌ها رای جدا از آرای خاکستری و مردم - که در نهایت آنها نیز به اصلاح‌طلبان رای می‌دهند - دارد. اما تصور وجود این پایگاه ثابت رای هم تفکر غلطی بود. این مطلب امروز با نتیجه آرای همتی حتی بعد از اعلام حمایت‌های شخص خاتمی، کروی و ... به خوبی احساس می‌شود. اصلاح‌طلبان از زاویه‌ای دیگر اکنون همه درهای توجیه و انکار شکست را هم بر خود بسته‌اند. آنها با بالابردن میزان مشارکت و دعوت از مردم و حضور تمام‌قد در انتخابات، در واقعیت روند موجود را نه تنها تایید کرده، بلکه عملاً دیگر نمی‌توانند دلیل شکست خود را حذف کاندیداهایشان اعلام کنند؛ چون اساساً آنها هم در یک رقابت با تمام وجود شرکت داشته‌اند، هم شکست خورده‌اند، هم به میدان‌داری جریان رقیب مشروعیت بخشیده‌اند و هم به اثبات رسانده‌اند که دیگر خاتمی و ... قرار نیست نفوذی در دل مردم داشته باشد. پیام‌شان حجت باشد، آنها این مساله را به اثبات رسانده‌اند که اصلاحات بعد از گذشت ۲۴ سال برخلاف اصولگرایان از یک پایگاه رای همیشگی و ثابت برخوردار نیست، بلکه بیشتر اوقات به دلیل اینکه در دوره‌های

به خیال آنکه پیام‌های ویدئویی خاتمی و اظهار نظرهای کتبی و تصویری اش «می‌توانیم تکرار کنیم» دیگری را با وجود همتی رقم بزنند. آنها در کنار این مساله در راستای تهییج بیشتر مردم از این می‌گفتند که می‌خواهند زیر میز بزنند و بازی از پیش تعیین شده را بر هم زنند. عزم اصلاح‌طلبان برای رقابت و مشارکت به حضور و تبلیغ خاتمی و برخی فرزندان هاشمی، برای رای به همتی تمام نشد. حتی مهدی کروی هم از این می‌گفت که مردم به انتخابات بیایند و هم تبلیغ همتی را کرد و هم رای داد. بهزاد نبوی، رئیس جبهه اصلاحات نیز سنگ تمام گذاشت. در واقعیت اصلاح‌طلبان شاید بیش از ظرفیتی که قرار بود روی چهره‌های رده‌ساز شده‌ای چون جهانگیری، لاریجانی و پزشکیان در صورت تایید صلاحیت‌شان در انتخابات جهت حمایت‌شان بگذارند، در این انتخابات روی همتی گذاشته‌اند. جالبی ماجرا آنکه چهره‌های مطرح اصلاح‌طلبی خوش‌باور از به دور دوم کشیده شدن انتخابات می‌گفتند و مدام با تبلیغ حضور مردم و مشارکت اعلام می‌کردند هر چه این مشارکت بالاتر رود به معنای زیر میز زدن و بازی عوض کردن و پیروزی و به دور دوم کشیده شدن انتخابات است. اصلاح‌طلبان شاید در نوعی غرور کاذب، نظر سنجی‌های مختلفی که نشان می‌داد گروه قابل توجهی از مردم قصد رای دادن ندارند را جدی نمی‌گرفتند؛ همان مردمی که بخش عمده‌ای از آن‌ها معمولاً در آرای اعتراضی‌شان به اصلاح‌طلبان رای می‌دادند تا

آرمان ملی - امید کاجیان: انتخابات پر رمز و راز سال ۱۴۰۰ برگزار شد. جدا از میزان آرا و مباحثی که پیرامون آن مطرح است و اینکه خود این مساله نیز با حواشی روبه‌رو بوده، اکنون باید خود را برای واقعیت چهار سال آینده آماده کنیم؛ چهار سالی که می‌توان به آن خوش‌بین یا بدبین بود اما آن چیزی که مشخص است اینکه وارد فصل تازه‌ای از زندگی در ایران خواهیم شد. آنچه در انتخابات امسال رخ داده نکات مهمی هم برای جریان اصولگرا به‌عنوان پیروز انتخابات و هم اصلاح‌طلبان به‌عنوان شکست‌خورده‌گان دارد؛ نکاتی که بهتر است هر دو به جای انکار برای بهبود اوضاع بدان توجه کنند.

واقع‌نگری‌ای که اصلاح‌طلبان نداشته‌اند

اصلاح‌طلبان بعد از اقدام شورای نگهبان در عدم احراز صلاحیت‌هایی چون مسعود پزشکیان، علی لاریجانی و اسحاق جهانگیری و ... در موضع مظلومیت خاصی قرار گرفتند. این در حالی بود که به واسطه وضعیت کشورمان در تمامی عرصه‌ها از جمله مسائل اقتصادی و اجتماعی و ... در موقعیت خوبی از بابت پایگاه اجتماعی قرار نداشته‌اند. تحریم انتخابات مجلس یازدهم از سوی مردم و شکست سنگین اصلاح‌طلبان در آن برهه نیز این هشدار را به آنان می‌داد که بهتر است فعلاً در عرصه انتخابات ریاست جمهوری حضور نداشته باشند. رده‌ساز چهره‌های شاخص اگر چه در کنار ابلاغیه پیشینی‌ای که شورای نگهبان در مورد شرایط ثبت نام کنندگان ریاست جمهوری داشت و اما او اگر های بسیاری را مطرح ساخت ولی در عین حال می‌توانست فرصت خوبی برای اصلاح‌طلبان باشد تا با نگاه واقع‌بینانه به شرایط با آبرو از رقابت کناره‌گیری کنند. اما آنچه در عمل رخ داد این بود که آنها در چنین شرایطی نه تنها از فرصت استفاده نکرده‌اند بلکه با تمامی قوا در انتخابات ۱۴۰۰ حضور یافته و به تبلیغ مشارکت حداکثری نیز پرداخته‌اند.